

اعلامیه مطبوعاتی

نگ بر سربازانی که به جای جهاد به خواب رفته اند!

(ترجمه)

هر روز کودکی از غزه از گرسنگی می‌میرد، یا پیری بی‌دارو آخرین نفس‌هایش را می‌کشد یا زنی در حالی چشم‌هایش را برای همیشه می‌بندد که درد تشنگی یا گرسنگی را تاب نمی‌آورد. هر ساعتی، آسمان اشکی می‌ریزد، سنگی فریاد می‌زند و زمین لعنت می‌فرستد، بر آنانی که این مظلومان را تنها گذاشته‌اند. اینجا غزه است... غزه‌ای که تنها با مرزها و توپخانه‌ها محاصره نشده، بلکه با حصارهای از خیانت فرماندهان ارتش‌ها، حاکمان خائن و سکوت امت شان در محاصره قرار گرفته است.

آنچه امروز در غزه رخ می‌دهد، صرفاً یک فاجعه انسانی نیست؛ بلکه جنایتی است کامل‌عیار در برابر دیدگان جهانی که ادعای تمدن دارد و در برابر ارتش‌هایی که امت بر آنان ثروت خود را خرج کرده، از گرسنگی خود خوراکشان داده تا سپر و شمشیرش باشند، به وقوع می‌پیوندد؛ اما این ارتش‌ها بی‌حرکت مانده‌اند، گویی آنچه در غزه می‌گذرد، هیچ ارتباطی به آنان ندارد، یا گویا مردم غزه از امت آنان نیستند!

ای ارتش‌های امت! آیا وقت آن نرسیده که خون در رگ‌های تان به جوش آید؟! ای کسانی که مدال و درجه بر سینه می‌آویزید، به یاد آورید که این دنیا با همه مقام‌ها، حقوق‌ها و رتبه‌هایش در یک لحظه نابود می‌شود؛ لحظه‌ای که مرگ می‌آید و مهلتی نمی‌دهد، لحظه‌ای که در برابر الله سبحانه و تعالی می‌ایستید، برهنه و بی‌چیز، در روزی که مال و مقام سودی ندارد! درجه و مدال‌ها نجات‌بخش نخواهند بود و نه قانون و نه قانون‌اساسی بشری شفیع شما خواهند شد! درباره غزه بازخواست می‌شوید؛ درباره مردمی که کشته شدند، گرسنه ماندند و شکنجه شدند؛ در حالی که شما توان یاری‌شان را داشتید اما کوتاهی کردید!

آن روز خواهد آمد؛ روزی که از هر سرباز ارتش‌های مصر، اردن، ترکیه و پاکستان پرسیده خواهد شد: چرا برادرانت در غزه را تنها گذاشتی؟ چرا گذاشتی کودکان‌شان از گرسنگی بمیرند؟ چرا رهای‌شان کردی تا پیران‌شان از تشنگی جان دهند؟ مگر سلاح نداشتی؟ مگر راه را نمی‌دانستی؟ مگر اندکی ایمان در دلت نبود؟!

آنچه در غزه می‌گذرد، روز آزمون واقعی است؛ آزمون ارتش‌ها، آزمون عقیده، آزمون مردانگی و آزمون ایمان! هیچ لحظه‌ای مقدس‌تر از آن نیست که سربازی سلاحش را برای یاری برادرانش بالا برد و هیچ لحظه‌ای عظیم‌تر از شکستن سد خواری و اطاعت کورکورانه از طاغوت‌ها نیست. این لحظه همان لحظه‌ای است که افتخار را رقم می‌زند و در دفتر جاودانه‌ها ثبت می‌شود؛ نه آن لحظه‌هایی که در مراسم‌های نظامی، احترام به دشمنان امت ادا می‌شود!

ای علما، دعوت‌گران، اندیشمندان و جوانان صادق! گمان نکنید که شما مسئول نیستید. سکوت جنایت است. خاموشی در برابر خیانت به غزه، مشارکت در جنایت است. بنویسید، خطبه بخوانید، انکار کنید، پیوند میان امت و قضیه‌اش را زنده کنید و میان ارتش‌ها و نقش حقیقی‌شان. به امت یادآوری کنید که فرزندان‌شان کشته می‌شوند و او خاموش است. به ارتش‌ها یادآوری کنید که هنوز فرصتی برای نجات هست، فرصتی آخر برای کنار گذاشتن خواری، شکستن زنجیرها و گام نهادن در مسیر جهاد.

ای سربازان امت به طور عام و سربازان سرزمین کنانه به طور خاص! وظیفه شما اعلان جنگ فراگیر علیه رژیم غاصب است تا آزادسازی کامل فلسطین. ما یقین داریم که این آرزوی هر مخلصی در ارتش کنانه است؛ اما تنها چیزی که مانع تحقق آن است، رژیم خیانت‌کاری است که ارتش را به نگهبان رژیم غاصب و مجری اهداف آن تبدیل کرده است. وظیفه شما آن است که این رژیم خائن را با همه ارکان و مجربانش از ریشه برکنید و زمام امور سرزمین تان را به یک رهبری سیاسی آگاه و مخلص بسپارید؛ رهبری‌ای که حامل برنامه اسلام و توانمند به اجرای فوری آن باشد. در میان شما حزب‌التحریر وجود دارد؛ رهبری سیاسی، آگاه، مخلص، از جنس امت، که مسائل امت را درک می‌کند، بار آن را به دوش می‌کشد و می‌کوشد تا با اجرای شریعت الله سبحانه و تعالی و حمل آن در سایه خلافت راشده بر منهج نبوت، رضای الله عزوجل را به دست آورد.

﴿وَمَا لَكُمْ لَأْتَأْتُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلِهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا﴾ [النساء: 75]

ترجمه: چرا باید در راه الله و (نجات) مردان و زنان و کودکان در مانده و بیچاره‌ای نجات‌دهنده که (فریاد برمی‌آورند و) می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهر و دیاری که ساکنان آن ستمکارند (و بر ما بیچارگان ستم روا می‌دارند) خارج ساز، و از جانب خود سرپرست و حمایت‌گری برای ما پدید آور، و از سوی خود یآوری برایمان قرار بده (تا ما را یاری کند و از دست ظالمان برهاند).

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر - ولایة مصر